

تحلیل تاثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی در فرایند شکل گیری مناطق حاشیه نشین و راهکارهای رویارویی با این پدیده با تاکید بر توانمندسازی

رضا قادری^۱، سجاد امیدوارفر^{۲*}، رضا صمدی^۳، سجاد بدلی^۴

۱- هیئت علمی دانشگاه پیام نور

۲- کارشناس جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور مرکز ارومیه، ارومیه، ایران

۳- کارشناس مطالعات اجتماعی، ضمن خدمت علامه طباطبایی مرکز ارومیه، ارومیه، ایران

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، پیام نور مرکز ارومیه، ارومیه، ایران

Sajjad.omidvarfar70@gmail.com

چکیده

در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، پدیده حاشیه نشینی در مکان های خاص به شکل سکونت دائمی در داخل یا پیرامون شهرها مشاهده می شود. در این کشورها امروزه دیگر حاشیه نشینی تنها خاص مهاجران روستایی نیست که به علت جذب نشدن در اقتصاد رسمی در مکان های غیر استاندارد سکونت می کردند بلکه همه مردم کم درآمد اعم از مهاجر و شهری را شامل می شود. علت آن را ناهماهنگی در شالوده های اجتماعی- اقتصادی جوامع شهری و روستایی و تشدید تناقضات و نابرابری های طبقات و قشرهای اجتماعی از یک سو و نبود برنامه ریزی و مدیریت صحیح از سوی دیگر دانسته اند. متناسب با این عوامل پدیده حاشیه نشینی در داخل و خارج شهرهای بزرگ و حتی شهرهای متوسط کشورهای در حال توسعه، در حال رشد است و حتی در بعضی از این جوامع، رشد جمعیت در مناطق حاشیه نشین بیشتر از رشد جمعیت در شهر اصلی است. در پژوهش حاضر تحت عنوان "تحلیل تاثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی در فرایند شکل گیری مناطق حاشیه نشین و راهکارهای رویارویی با این پدیده با تاکید بر توانمندسازی" ضمن بررسی و شناخت علل و عوامل فرایند شکل گیری مناطق حاشیه نشین به چگونگی توانمندسازی و ساماندهی این مناطق در قالب ارائه راهکارهای پیشنهادی به طور خلاصه پرداخته شده است. در این ارتباط اطلاعات این تحقیق به صورت کتابخانه ای و میدانی از منابع معتبر جمع آوری گردیده است که شامل کتاب ها، مجلات و مقالات علمی، مصاحبه با اساتید، کارشناسان و صاحب نظران در این زمینه می باشد.

واژگان کلیدی: حاشیه نشینی، عوامل اقتصادی و اجتماعی، توانمندسازی و ساماندهی.

۱- مقدمه

در کنار سه شیوه رایج زندگی یعنی شهرنشینی، روستا نشینی و زندگی ایلاتی و عشایری، نوعی شیوه زندگی متفاوت وجود دارد که ویژگی های اقتصادی و اجتماعی مخصوص به خود و بافت فیزیکی معینی دارد. این شیوه زندگی حاشیه نشینی نامیده می شود. در شهرها، حاشیه نشین کسی است که در شهر ساکن است ولی به علل مختلف نتوانسته جذب نظام اقتصادی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند. بعلاوه، معنی و مفهوم حاشیه نشینی شهری توصیف کننده وضع زندگی تمام کسانی است که در جامعه شهری ساکن هستند ولی از نظر درآمد، بهره گیری از خدمات و امکانات در شرایط مطلوبی به سر نمی برند. حاشیه نشینی فرهنگی مخصوص خود را دارد، این فرهنگ بازتاب شیوه زندگی طبقات پایین اجتماع است که

معمولا به عنوان فرهنگ فقر شناخته شده و در محله ها یا کوچه های کثیف یک شهر با مسکن انحطاط یافته و غیر معمولی دیده می شود. (حسین زاده دلیر: ۶۴، ۱۳۷۰)

در تبیین فرایندهای موثر بر ایجاد حاشیه نشینی باید به تغییرات بنیادی در زمینه فعالیت های اقتصادی و روابط اجتماعی در جامعه روستایی، شهری و یا ایلاتی و عشایری اشاره کرد که باعث می شود مازاد نیروی انسانی به مراکز بزرگ شهری که جایگاه تراکم و تمرکز ثروت جامعه است، سرازیر شود. در این مقطع، شهرها که امکانات کافی برای جذب این نیروی انسانی مازاد را ندارند، آنها را پس زده و به حاشیه یا جایی می رانند که حداقل امکانات عرضه می شود. بنابراین زمانی که مردم فاقد امکانات، از انزوا گریخته و به حاشیه نشینی در شهرها روی می آورند، در حقیقت نوعی زندگی را انتخاب می کنند که فلاکتی دیگر است. تمرکز این مردم در کانون هایی با شکل فیزیکی خاص که با فرم مسکن متعارف شهری متفاوت است، ایجاد کننده منطقه یا مناطق حاشیه نشین است. حاشیه نشینی تاریخی دیرینه دارد و تقریبا اکثر کشورهای جهان دوره هایی از حاشیه نشینی را در شهرهای خود تجربه کرده اند لیکن، مشکل اصلی در جهان سوم، نهفته است. گستردگی این مسئله در این کشورها، موضوع را به شکل حادثی عرضه می کند. مناطق حاشیه نشین کشورهای جهان سوم با واحدهای مسکونی رو به ویران، فرسوده و با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها؛ تسلط فرهنگ فقر؛ جدایی گزینی توده ای مردم روستایی از جامعه شهری؛ شهرک های چسبیده به شهر با مواد و مصالح کم دوام ساختمانی؛ گوشه گیری مردم آن از زندگی شهری؛ مهاجرت و سکونت بخشی از مردم روستاها در حاشیه شهرها قابل توصیف است. (شکویی: ۱، ۱۳۵۴)

می توان گفت حاشیه نشینی به آن سنخ از زیست شهری اطلاق می گردد، که در حومه شهرها، تعدادی خانوار با مسکن نامناسب، یک مرکز جمعیتی یا شهرک ماندنی را به وجود آوردند. در فرهنگ شهر و شهرنشینی، حاشیه نشینی تا حدود زیادی مترادف با مفاهیمی چون زاغه نشینی و آلونک نشینی به کار برده شده است.

حاشیه نشینی یک پدیده اجتماعی است و این پدیده اختصاص به عصر فعلی نداشته و ریشه در ادوار و اعصار گذشته دارد و این پدیده هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود داشته و دارد. و تنها تفاوت آن در کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه، از حیث ریشه های تاریخی به وجود آورنده آن و رفتار کالبدی و اجتماعی آن می باشد. کشور ایران نیز از این پدیده مصون نمانده منتهی شرایط حادی که در برخی از کشورها از جمله برزیل، هندوستان، پرو و برخی کشورهای آفریقایی وجود دارد در کشور ما، حاکم نیست. ولی از حیث قدمت مشابه سایر کشورها می باشد. پدیده حاشیه نشینی در ایران نیز همانند اکثر کشورهای در حال توسعه تا حدود زیادی ریشه در مهاجرت و عوامل دافعه و جاذبه روستایی- شهری دارد. فقدان و کمبود امکانات رفاهی و خدماتی در مناطق روستایی و شهرهای کوچک فرآیند مهاجرت را تشدید کرد و حاشیه نشینی پدیدار شد و به این ترتیب یکی از بارزترین نمودهای مهاجرت در ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه شکل گرفت. (مرصوسی و بهرامی پاوه، ۱۴۲، ۱۳۹۰)

مهمترین مسائل محلات حاشیه نشین وجود فقر و بیکاری، نبود امنیت و وجود انواع آسیب های اجتماعی، بی عدالتی های اجتماعی- اقتصادی و عدم رسیدگی شهرداری به این محلات می باشد. (نقدی و صادقی، ۱۶، ۱۳۸۵)

۲- هدف و فرضیه پژوهش

۱-۲- هدف پژوهش

- توانمند سازی و ساماندهی مناطق حاشیه نشین با تاکید بر رعایت حرمت و کرامت انسانی.

۲-۲- فرضیه پژوهش

- به نظر می رسد بین حاشیه نشینی و عوامل اقتصادی و اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد.

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱- تعریف و مفهوم حاشیه نشینی

حاشیه نشینی عبارت است از وضع زندگی تمام کسانی که در جامعه شهری ساکن اند ولی از نظر درآمد و بهره‌گیری از امکانات و خدمات در شرایط نامطلوبی به سر می‌برند. (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۰)

حاشیه نشینان خانوارها و افرادی هستند که در محدوده حاشیه شهرها از نظر سکونت، بهداشت، خدمات عمومی و اجتماعی و تسهیلات زیر بنایی شهری در شرایط نامساعدی قرار دارند. این افراد به دلیل بر خوردار نبودن از سرمایه، مهارت فنی و حرفه ای برای اشتغال در اقتصادی شهری، اکثرا درگیر فعالیت هایی هستند که غیرمولد تلقی می‌شود. بنابراین از منظر اقتصادی، می‌توان گفت که مفهوم شامل تمام افرادی می‌شود که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند، ولی به روند اقتصادی شهر جذب نشده‌اند. اما چنین عدم ادغامی از بعد اجتماعی نیز رخ می‌دهد. خلاصه آنکه حاشیه نشینی شهری از ابعاد مختلف زندگی کالبدی (مسکن نامناسب)، اجتماعی (رفتارهای اجتماعی جدا از جامعه شهری) و اقتصادی (ویژگی‌های متمایزی از اشتغال و درآمد) تعریف می‌شود و افراد حاشیه نشین در واقع از محروم ترین اقشار جامعه شهری به شمار می‌آیند و به اعتبار همین محرومیت در برابر هرگونه آسیب اجتماعی نیز بی‌دفاع هستند. (زاهد زاهدانی، ۳۷، ۱۳۶۹)

از نظر جامعه شناسان گروهها و طبقاتی که مسلط بر منابع کمیاب اجتماعی شهری اند به موقعیت زیست در متن دست می‌یابند و در حیات جمعی نقش سوژگی ایفا می‌کنند. این خود مستلزم به حاشیه رانده شدگی طبقاتی است که در وضعیت زیست در حاشیه بسر می‌برند و در گسترده فعالیت های شهری نقشی نیمه فعال یا غیر فعال دارند. (ربانی و دیگران: ۱۳۸۱، ۸۳)

از دیدگاه لیبرالی حاشیه نشینی یک واقعیت است. لازم است راهکارها و راه حل هایی برای بهینه سازی شرایط زندگی و سکونت در مناطق حاشیه نشین ارائه شود. در زنجیره روابط اقتصادی ریشه این پدیده رشد اقتصادی نامتعادل اقتصادی بین مناطق مختلف است. طرفداران این نظریه راه حل هایی مبتنی بر توانمندسازی، ساماندهی و بهسازی کانون های حاشیه ای را هدف قرار می‌دهند. (خالو باقری، قریشی، ۱۳۹۰)

از دیدگاه شهرسازی، حاشیه نشینی نوعی اسکان غیر رسمی و شیوه ای از سکونت موقت تلقی می‌شود که در خارج از محدوده های شهری در زمین هایی که برای توسعه در زمین هایی که برای توسعه شهری پیش بینی نشده اند، شکل می‌گیرد و با ساخت و ساز غیر قانونی و تغییر کاربری زمین های کشاورزی همراه است. (Barabadi, 2002, 48)

از دیدگاه توانمندسازی، راهبرد توانمند سازی مناسبترین راه حل در ساماندهی حاشیه نشینی است. (صرافی، ۱۳۸۱) این راهبرد بر بهبودی شرایط زندگی جوامع فقیر تاکید دارد و به مردم این فرصت را می‌دهد که محل زندگی خود را با توجه به نیازهایشان بهبود بخشند. (قرخلو و میره، ۱۳۸۶) این راهبرد به همراه ارتقای بهسازی محیط های موجود بهترین وسیله برای راه اندازی فرایند توسعه و ساماندهی و بهسازی کالبدی است. چنانچه به وسیله ساماندهی به هدف توانمندسازی سکونتگاههای غیر رسمی نایل شویم، بهبود و پیشرفت تدریجی محیط زندگی متصور است. (سلطانی، ۱۳۸۲)

۳-۲- ویژگی های حاشیه نشینی

به موازات رشد بی‌رویه شهرنشینی در کشورها بالاخص ممالک جهان سوم، سکونتگاه هایی نامتعارف و حاشیه ای نیز به سرعت ایجاد شده و رشد یافته‌اند. این سکونتگاه ها دارای ویژگی های زیر هستند:

۱. به دلیل نداشتن پروانه ساختمان و تبعیت نکردن از برنامه ریزی های رسمی شهرسازی، ایجاد مسکن توسط حاشیه نشینان شتابزده بوده و مجموعه ای از ساختمان های نابسامان را به وجود آورده‌اند.
۲. مناطق حاشیه نشین مرکزی از اقشار کم درآمد و فقیر شهری و مهاجر روستایی را شامل می‌گردد.
۳. محیطی با کیفیت پایین زندگی بوده و کمبود شدید خدمات و زیر بناهای شهری و تراکم بالای جمعیتی در آن مشهود است. (سازمان عمران و بهسازی شهری: ۱۳۸۱).

۴. حاشیه نشینان بیشتر افراد مهاجر روستایی و عشایر و کمتر شهری هستند که در اغلب موارد فاقد مهارت لازم شهری و بعضاً غیر ماهرند.

۵. غالباً زمین های مناطق حاشیه نشین غصبی می باشند.

۶. اغلب بیسواد و کم سواد بوده و از ساختار و روابط اجتماعی زندگی شهری دور هستند.

۷. از نظر بافت کالبدی، معماری و شهرسازی یک محله بی شکل و درهم و برهم و فاقد خیابان و کوچه بندی هستند.

۸. از خدمات و تسهیلات بهداشتی، آموزشی و اجتماعی محروم بوده اند (حاج یوسفی: ۱۳۸۱)

۳-۳- چگونگی شکل گیری مناطق حاشیه نشین

در شهرها به ویژه شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه، پس از آنکه طبقه کم درآمد شهری و مهاجران روستایی بنا بر دلایل مختلفی نتوانستند از طریق بازار رسمی، مسکن مورد نیاز خود را تهیه کنند از طریق بخش غیر رسمی اقدام به ایجاد سرپناهی برای خود می کنند. این اقدام که اولین مرحله در مسیر فرایند اسکان غیر رسمی است، در کشورها و در زمان های مختلف تفاوت هایی با هم دارد. به عبارت دیگر اسکان غیر رسمی بر اساس شرایط اجتماعی و اقتصادی هر کشوری و با توجه به اوضاع سیاسی آن در نحوه تصرف و تملک زمین، ویژگی های ساکنان، چگونگی مدیریت و برخورد دولت و غیره به تناسب زمان متفاوت است.

بنابراین نمی توان الگوی واحدی برای اسکان غیر رسمی در همه کشورها ارائه داد. اما در تمام کشورها اصلی مشترک حاکم است و آن اینکه روند شکل گیری اسکان غیر رسمی در میان فقرا پایه در منطق اقتصادی دارد. به طوری که گیلبرت و گانگر الگوی مسکن فقیران را واکنشی منطقی و خردمندانه در برابر فقر می دانند. (گیلبرت و گالگر، ۱۳۷۵: ۱۹۱)

۳-۴- پیامدهای حاشیه نشینی

۱. سیمای نامطلوب: عمده ترین نماد جهانی حاشیه نشینی سیمای نامطلوب آن است که احساس و وجدان و دیدگان آدمی را می آزارد، از مشخصات آن ساختمان های تخریب شده و فرسوده شده، گذرگاه ها و معابر پر پیچ و خم و کم عرض است و معمولاً راه دسترسی خودروهای امداد اعم از آتش نشانی، اورژانس و پلیس در مواقع بروز حوادث و خطرات وجود ندارد.

۲. پایین بودن سطح بهداشت عمومی و سلامتی: حاشیه نشین ها فاقد بهداشت عمومی و خصوصی در حد و اندازه استانداردهای جهانی و حتی ملی هستند و اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست در چنین مناطقی شایع است. انباشت زباله ها و عدم جمع آوری آنها، جریان فاضلاب منازل در کوچه ها و عدم دفع بهداشتی آن، آلودگی های صوتی و آلودگی هوا و غیره در این محلات مشهود است.

۳. فقدان شغل رسمی و درآمد کافی: اکثر خانواده های حاشیه نشینی شغل رسمی برای تامین معاش خود ندارند و چون این افراد عموماً فاقد مهارت و تخصص و سرمایه گذاری می باشند به مشاغل کاذب و بعضاً مجرمانه مثل دستفروشی، کوپن فروشی، تکدی گری، زباله دزدی، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی روی می آورند.

۴. وجود خرده فرهنگ های خاص مناطق کوچک: در مناطق حاشیه نشین خرده فرهنگ های خاص مناطق کوچک هر یک از خانوارها که قبلاً ساکن آن بودند مشاهده می شود و اجتماعی در دل جامعه به وجود می آورند. این فرهنگ ها بسیار دیر جذب فرهنگ های شهری می شوند و این امر و نیز فقر فرهنگی افراد امکان نفوذ از نظر فرهنگی و اجتماعی را در آن ها برای اجرای برنامه های مختلف اجتماعی، چون بهداشت و تنظیم خانواده و غیره مشکل می کند. خصایص کنش روستایی که سنخیتی با زیست شهر ندارد، به شاکله عقیدتی زیست شهری مبدل می شود.

۵. تراکم جمعیت: ترکیب سنی جمعیت در این مناطق نشان می دهد که علی رغم جوان بودن بیشتر رؤسای خانواده ها بعد خانواده وسیع است. متوسط تعداد جمعیت هر خانوار حدود ۴/۵ درصد می باشد که با در نظر گرفتن مساحت کم منازل موجود در مناطق حاشیه نشینی به تراکم بیش از حد جمعیت در این مناطق پی خواهیم برد.

۶. فقدان یا کم بودن امکانات آموزشی و رفاهی و پایین بودن سطح سواد و تحصیلات: در حاشیه شهرهای ایران، آموزش و پرورش به بدترین شکل ممکن رواج دارد، به این معنا که عدم تخصیص بودجه متناسب برای امر آموزش و پرورش این نقاط جدای از آنکه باعث کم سواد شدن حاشیه نشینان شده است، موجب گردیده که تا فرآیند جامعه پذیری، در میان کودکان و نوجوانان حاشیه نشین فرآیندی ناقص و عقیم باشد نقصانی که در رشد بالای انحرافات اجتماعی نمود می یابد.

۷. اعتیاد: از عوامل گرایش به اعتیاد، فقر، بیکاری، فقدان برنامه صحیح جهت پر کردن اوقات فراغت، نابرابری های اقتصادی و اجتماعی و در دسترس بودن مواد مخدر را می توان نام برد معمولا در مناطق حاشیه نشین بسیاری از این عوامل قابل رویت است و بدان جهت اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان این مناطق و همچنین خرید و فروش مواد مخدر روز به روز افزایش می یابد.

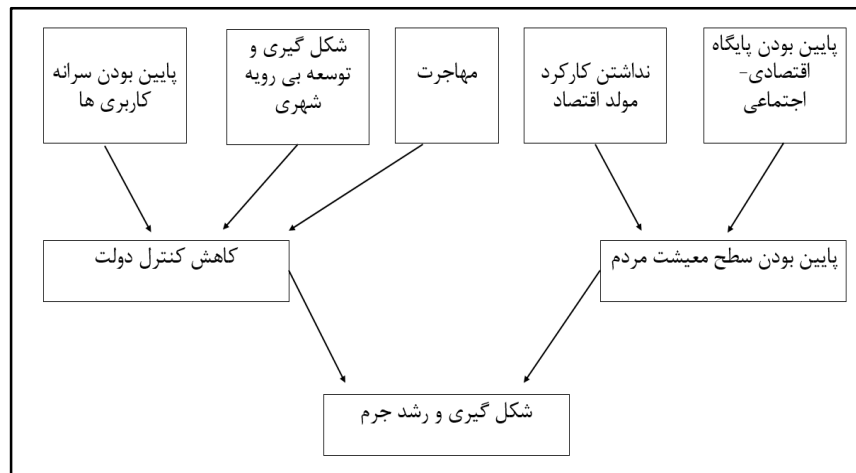
۸. منبع و مرکز انحرافات و کج رویهای اجتماعی: مارشال کلینارد می گوید: حاشیه نشینی مساله و عارضه ای شهری است و منشا عمده بزهکاری و جرم می باشد. آسیب های اجتماعی و سهم بالایی از وقوع جرم و جرائم در کشور به حاشیه نشینان اختصاص یافته است به دلیل عدم تطابق هنجاری و نائل نشدن به یک شناخت اجتماعی حاشیه نشینان و همچنین سطح نازل معیشت اقتصادی این طبقه اجتماعی، یک نوع انحرافات نهادینه شده در کنش آن ها به چشم می خورد، قاچاق مواد مخدر و جنایت های مبتنی بر هیچ انگاری ارزش های اجتماعی از موارد قابل ذکر هستند (یاوری، ۱۳۸۳).

۴- ویژگی های اقتصادی و اجتماعی ساکنان مناطق حاشیه نشین

ساکنان اجتماعات غیر رسمی از دو گروه عمده تشکیل می شوند؛ مهاجران روستاها و شهرهای کوچک و طبقه کم درآمد شهری. وجه مشترک هر دو گروه، کم درآمدی آنان است که سبب شده توان زندگی در محل اولیه اقامت خود را به علت بی کاری و نداشتن شغل مناسب و درآمد کم نداشته باشند و همچنین قادر به تامین مسکن مورد نیاز خود در شهر اصلی نباشند. از این رو به علت ارزانی نسبی قیمت زمین و مسکن و اجاره بها و نیز دستیابی به امکانات بهتر شغلی به نقاط غیر رسمی روی می آورند.

ساکنان این سکونتگاهها به علت بی سواد بی سواد در میان زنان بیش از مردان است "نداشتن مهارت کافی و سرمایه، پس از استقرار در سکونتگاه غیر رسمی عمدتا در مشاغل کارگری یا در بخش غیر رسمی اشتغال دارند. از این رو مهم ترین ویژگی ساختار اجتماعی مکان های غیر رسمی غلبه طبقه کارگر است. اما با وجود آنکه خانوارها دستمزدهای حداقلی یا نزدیک حداقل به دست می آورند، سطوح درآمدی خانوار می تواند با دستیابی به درآمدهای بیشتر از طریق اشتغال در مشاغل پاره وقت افزایش یابد. از این رو با وجود آنکه این نقاط عمدتا کارگرنشین با سطوح پایین درآمدی است، وضعیت زندگی خانوارها بهتر از قبل می باشد. موازنه تقریبا برابر درآمد و هزینه های خانوارها، عامل مهمی در جذب بیشتر مهاجران به این مکان ها و توسعه اسکان غیر رسمی محسوب می شود. اما تمرکز گروهی از افراد کم درآمد که ترکیب اجتماعی نامتعارفی داشته و تنوع اجتماعی ندارند در نقطه ای به تسلط فرهنگ فقر در محله و جداگیزی توده ای از مردم کم درآمد از جامعه متوسط و مرفه می انجامد که خود کاهش تعاملات و تماس های بین طبقاتی و افزایش تعاملات و تماس های درون طبقاتی را به دنبال دارد. کاهش نقش طبقات متوسط به عنوان گروههای مرجع در مناطق فقیرنشین به تمرکز فقر و شکل گیری خرده فرهنگ جرم زا در محله های فقیرنشین منجر خواهد شد. (افروغ، ۲۳۹، ۱۳۷۷)

از این رو است که رفتارهای نابهنجار و غیرعادی، عادی تلقی می شود و این مکان ها مظهر جرم و جنایت و فساد می شوند. عامل دیگری که به رفتارهای ناهنجار اجتماعی دامن می زند، بی سواد و کم سواد، تراکم بالای جمعیت، تراکم بالای افراد در اتاق، تراکم بالای خانوار در واحد مسکونی، وجود واحدهای مسکونی غیر استاندارد و ناسالم است. (شاه حسینی، ۱۳۸۲)



شکل ۱- علل شکل گیری و رشد جرایم در سکونتگاههای غیر رسمی (منبع: شاه حسینی، ۱۷۰، ۱۳۸۴)

۵- ویژگی‌های حقوقی

از آنجا که در اسکان غیر رسمی سکونت بر روی اراضی خالی دولتی یا عمومی، اراضی حاشیه ای و بایر تقسیم زمین بدون مجوز به شکل غیر قانونی صورت می گیرد، شاخص کلیدی آنها نداشتن سند رسمی (سند ثبتی) مالکیت بر زمین و مسکن است. از این رو اکثر واحدهای مسکونی به شکل غیر رسمی و قولنامه ای خرید و فروش می شوند. (پور آقایی، ۱۳۸۵)

این زمین ها در ابتدا کم ارزش و حتی بی ارزش هستند اما با توسعه فیزیکی شهر یا رسمیت یافتن مکان غیر رسمی به عنوان شهر، ساخت و سازها دارای سند شده، بدین ترتیب ارزش زمین بالا می رود. به طوری که دیگر جاذب طبقه کم درآمد نخواهد بود و طبقه کم درآمد به مکانی دیگر نقل مکان می کند و در این نقاط به ویژه مناطقی که در داخل شهر اصلی قرار دارند، مجموعه های عظیم تجاری و مسکونی احداث می شود. شایان ذکر است که نوسانات در قیمت زمین همراه با نرخ سود، نرخ سرمایه، نرخ انرژی، دستمزد نیروی کار و قیمت مصالح ساختمانی، تاثیر بسیاری بر قیمت مسکن سکونتگاههای غیر رسمی دارد. به هر حال پس از رسمیت یافتن به عنوان شهر و دارا شدن سند مالکیت، وجه مشخصه این نوع مکان ها میزان بالای اجاره نشینی است. (سیلاس، ۱۳۷۳)

۶- مهاجرت روستا به شهر - فقر - حاشیه نشینی

حرکت جمعیت را نمی توان جزئی لاینفک از توسعه اقتصادی، تغییرات اجتماعی و وضعیت سیاسی جامعه دانست. به عبارت دیگر، هر حرکتی حتی در کوچکترین مقیاس خود، ناشی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر آن جامعه است و این حرکت به نوبه خود بر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر دو محیط مبدأ و مقصد هم اثر می گذارد. حرکت مهاجران از روستا به شهر موجب افزایش عرضه نیروی کار در شهرها شده که به مراتب، از افزایش تقاضا برای نیروی کار در شهرها بیشتر است. بنابراین، تعدادی از نیروی کار موجود در شهرها بیکار مانده اند و نمی توانند خود را جذب فعالیت های اقتصادی شهرها کنند. گر چه این افراد در شهرها سکونت دارند، به علت جذب نشدن در نظام اقتصادی و اجتماعی شهر در حاشیه قرار می گیرند و مسئله حاشیه نشینی با مشکلات درون آن، که مسئله فقرا از عمده ترین آنهاست، بروز می کند. امروزه، اکثر اقتصاددانان شهری معتقدند که حرکت روستا به شهر یک حرکت مفید برای رفع نیازهای کارگری واحدهای صنعتی نیست. در حقیقت نشان داده اند که نرخ مهاجرت کارگران از روستا به شهر بالاتر از نرخ افزایش تقاضا برای نیروی کار است که این مسئله، به نوبه خود، موجب بروز مشکلات شهری بسیاری از قبیل بیکاری، حاشیه نشینی و فقر شده است. (عابدین درکوش، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۳۹۱)

۷- مشکلات کالبدی مناطق حاشیه نشین (مشکلات، تنگناها و بررسی محدودیت ها)

مشکلات کالبدی توسط نگارندگان، به شیوه میدانی شامل مشاهده مستقیم از مناطق حاشیه نشین جمع آوری و به صورت خلاصه بیان شده و جهت بیان عینی معضلات و مشکلات مناطق حاشیه نشین از دوربین عکاسی نیز استفاده شده است.

- احداث واحدهای مسکونی با استفاده از مواد و مصالح کم دوام و نامناسب.
- عدم طبقه بندی مناسب قطعات زمین.
- نامناسب بودن نمای بیرونی ساختمانها (زشتی نمای ساختمان ها).
- قرار گیری زمین های کشاورزی در مجاورت با کاربری مسکونی.
- استفاده از برق غیر مجاز.
- کمبود سرانه مربوط به فضای سبز.
- کمبود مراکز بهداشتی و درمانی.
- کمبود کاربری آموزشی برای اغلب رده های سنی.
- فقدان کفسازی معابر.
- بهداشت محیطی نامناسب (غیر بهداشتی بودن فضاهای زندگی).
- مدیریت نامناسب پسماند و در بسیاری موارد نبود مدیریت پسماند. (منبع: نگارنده)



شکل ۳- قرار گیری زمین های کشاورزی در مجاورت با کاربری مسکونی (منبع: نگارنده)



شکل ۲- احداث واحدهای مسکونی بدون رعایت معیارهای فنی (منبع: نگارنده)



شکل شماره ۵- فقدان کفسازی معابر (منبع: نگارنده)



شکل شماره ۴- استفاده از برق غیر مجاز (منبع: نگارنده)



شکل ۶- بهداشت محیطی نامناسب (منبع: نگارنده)

۸- وجه بیرونی و درونی حاشیه نشینی

حاشیه نشینی، دو وجه بیرونی و درونی دارد. معمولاً "وجه بیرونی" و ظاهر آن مورد توجه عموم مردم و مبنای قضاوت درباره این پدیده است. افراد در این وضعیت در مناطقی اقامت می کنند که با جامعه میزبان ارتباط کمی دارند و بین محل سکونت آنها و منطقه اصلی شهر نوعی جدایی وجود دارد. این امر ممکن است به دلیل وضعیت نامطلوب اقتصادی و عدم توانایی مالی خانواده ها باشد که به علت هزینه های بالای زندگی قادر به زندگی در مناطق اصلی شهر نیستند. علت دیگر آن وجود موانع جذب در جامعه میزبان است. از آنجا که بسیاری از مناطق سنتی به آسانی نمی توانند وجود این مهاجران را بپذیرند، لذا آنان به مناطقی روی می آورند که امکان کنترل های اجتماعی و هنجاری کمتری در آنجا وجود دارد. این مناطق بیشتر در حاشیه شهرهای بزرگ قرار دارند.

اما "وجه درونی" حاشیه نشینی با نظام فرهنگی- اجتماعی و نیز موقعیت روانی افراد مرتبط است. بر این اساس، وضعیت حاشیه نشینی آن گونه که رابرت پارک (۱۹۸۱) بیان می دارد، شرایط یا عالمی است برزخ گونه که فرد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق در می آورد. فرد خود را در شرایطی می یابد که در آن، روابط اجتماعی و ارزش های فرهنگی و ملی تا حدودی دستخوش تزلزل شده، ولی روابط و ارزش های دیگری هنوز به طور کامل جایگزین آن نشده است. به اعتقاد وی تجربه چنین شرایط بحرانی موجب شخصیت متمایزی برای فرد می شود.

در اغلب موارد، چنین فردی در برابر برخورد فرهنگ ها، حالت کناره گیری از خود نشان می دهد و نمی تواند در متن جامعه با عقیده راسخ به فعالیت خویش ادامه دهد. به عبارت دیگر، به علت ناباوری نسبت به ارزش ها، بیگانگی با موقعیت جدید، فرد از جامعه کناره می گیرد و در حالتی معلق در حاشیه اجتماع می نشیند. (جمشیدی ها و عنبری، ۱۳۸۳)

۹- روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر که به تحلیل تاثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی در فرایند شکل گیری مناطق حاشیه نشین می پردازد؛ محتوا و ماهیتی توصیفی- تحلیلی دارد که بیان عینی و واقعی ویژگی های پدیده حاشیه نشینی است. در ابتدا برای دریافت مفهوم عنوان مقاله به بررسی مفهوم حاشیه نشینی و همچنین به چگونگی شکل گیری مناطق حاشیه نشین و نیز پیامدهای حاشیه نشینی پرداخته شده است که این مطالب از منابع معتبر کتابخانه ای که شامل کتاب ها، مجلات و مقالات علمی، مصاحبه با اساتید، کارشناسان و صاحب نظران در این زمینه می باشد جمع آوری شده است. همچنین تلاش شده ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و حقوقی مناطق حاشیه نشین بررسی شود. و در مرحله بعد مشکلات کالبدی توسط نگارندگان، به شیوه میدانی شامل مشاهده مستقیم از مناطق حاشیه نشین جمع آوری و به صورت خلاصه بیان شده و جهت بیان عینی معضلات و مشکلات مناطق حاشیه نشین از دوربین عکاسی نیز استفاده شده است. در بخش بعدی نیز وجه بیرونی و درونی مناطق حاشیه

نشین بررسی شده است و در انتها به چگونگی توانمند سازی و ساماندهی این مناطق در قالب ارائه راهکارهای پیشنهادی به طور خلاصه پرداخته شده است.

۱۰- پیشنهادات

با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش راهکارهایی جهت کمک به حل این مسئله پیشنهاد می شود:

۱. ایجاد نظامی جهت بهره مندی حاشیه نشینان از شبکه های زیر بنایی و خدمات شهری، آموزشی و بهداشتی و غیره .
۲. ساخت و عرضه مسکن ارزان قیمت برای اقشار کم درآمد.
۳. ایجاد و احداث خانه های مسکونی اجاره ای ارزان قیمت برای اقشار کم درآمد.
۴. ایجاد شهرک های اقماری کارگر نشین یا کم درآمد نشین در نزدیکی شهرهای بزرگ.
۵. احداث کارگاه های کوچک در نزدیکی شهرهای بزرگ برای رفع بیکاری خانوارهای حاشیه نشین.
۶. تهیه طرح ملی و جامع اسکان کم درآمدها.
۷. ارائه یارانه تامین مسکن مناسب به اقشار کم درآمد.

نتیجه گیری

با توجه به تجزیه و تحلیل مبانی تئوریک مباحث مطرح شده و آگاهی از مفاهیم به کار رفته در این پژوهش، مناطق حاشیه نشین بافت هایی هستند که عمدتاً تهیدستان و در مجموع طبقه فقیر و کم درآمد را در خود جای داده اند و بدون مجوز و خارج از برنامه ریزی رسمی و قانونی توسعه شهری (طرح های جامع و تفصیلی) در درون یا خارج از محدوده قانونی شهرها بوجود آمده اند عمدتاً فاقد مالکیت هستند و از نظر ویژگی های کالبدی و برخورداری از خدمات رفاهی، اجتماعی و فرهنگی و زیر ساختهای شهری شدیداً دچار کمبود هستند. این پدیده یک معضل کلان شهری می باشد که نشان از ضعف ساختار اجتماعی و اقتصادی است. در این مقاله سعی بر این بوده با توجه به عوارض ناخوشایند، ضد انسانی و متناقض با مفاهیم شهری علل و عوامل پدیده حاشیه نشینی از نظر اقتصادی و اجتماعی بررسی شده و به چگونگی توانمند سازی و ساماندهی این مناطق در قالب ارائه راهکارهای پیشنهادی به طور خلاصه پرداخته شود.

منابع

- ۱- افروغ، عماد (۱۳۷۷)، فضا نابرابری اجتماعی ارائه الگویی برای جدایی گزینی فضایی و پیامدهای آن، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲- پور آقایی، محمد (۱۳۸۵)، علل شکل گیری اسکان غیر رسمی در شهر رشت و راهکارهای ساماندهی آن، چشم انداز جغرافیایی، سال اول، شماره ۲.
- ۳- جمشیدی ها، غلامرضا، عنبری، موسی، تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجران افغانی، نامه علوم، اجتماعی، شماره ۲۳، ۱۳۸۳.
- ۴- حاج یوسفی (۱۳۸۱) حاشیه نشینی و فرآیند تحول آن، هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی شهری، سال سوم، شماره ۸ تهران.
- ۵- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۷۰) حاشیه نشینی در جستجوی معنی و مفهوم، مجموعه مقالات هفتمین کنگره جغرافیایی ایران، جلد اول. موسسه جغرافیای دانشگاه تهران. تهران.
- ۶- خالوباقری، مهدیه؛ قریشی، سید محمدشایان (۱۳۹۰). نابرابری اقتصادی و شکل گیری و رشد سکونتگاههای غیر رسمی در شهر ها با تاکید بر مورد ایران. اولین کنفرانس شهری ایران، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۷- ربانی، رسول و افشار کهن، جواد (۱۳۸۱): حاشیه نشینی، مشارکت و مسائل اجتماعی شهری، فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۳ و ۲۴.

- ۸- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۶۹). حاشیه نشینی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۹- سلطانی، منیژه (۱۳۸۲). بررسی حاشیه نشینی و ساماندهی آن در زنجان مورد: کوی فاطمیه، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران.
- ۱۰- سیلاس، جان (۱۳۷۳). ساخت فضایی عرضه مسکن: اشکال مالکیت زمین و اقشار کم درآمد شهری در اندونزی، ترجمه پرویز پیران، تهران: سازمان ملی زمین و مسکن.
- ۱۱- شاه حسینی، پروانه (۱۳۸۲). تبیین فرایند ناهنجاری های کالبدی، اقتصادی سکونتگاههای خودرو پیرامون کلانشهر تهران، مورد: پاکدشت، تهران: دانشگاه تهران: دانشکده ادبیات.
- ۱۲- شاه حسینی، پروانه (۱۳۸۲). سکونتگاههای خودرو و امنیت اجتماعی مورد شهر پاکدشت، جغرافیا و توسعه، سال سوم، شماره ۶.
- ۱۳- شکوهی، حسین (۱۳۵۴) حاشیه نشینان شهر تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز ص ۱.
- ۱۴- صرافی، مظفر (۱۳۸۱)، مهاجرت داخلی و مسئله مدیریت شهری، با تاکید بر شرایط ایران، فصلنامه مدیریت شهری، سال سوم.
- ۱۵- عابدین درکوش، سعید (۱۳۹۱)، درآمدی به اقتصاد شهری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۶- قرخلو و میره، مهدی و محمد (۱۳۸۶) توانمندسازی اجتماعی راه حلی برای حاشیه نشینی شیخ آباد قم، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی، سال دوم، شماره سوم.
- ۱۷- گیلبرت، آلن و ژوزف گالگر (۱۳۷۵)، شهرها و فقر و توسعه شهرنشینی در جهان سوم، ترجمه پیروز کریمی و ناصری، تهران: اداره کل روابط عمومی شهرداری.
- ۱۸- مرصوی، نفیسه، بهرامی پاوه، رحمت ا... (۱۳۹۰)، ص ۱۳۱، تهران، دانشگاه پیام نور
- ۱۹- نقدی و صادقی، اسدالله و رسول؛ (۱۳۸۵)؛ حاشیه نشینی چالشی فراوری توسعه پایدار شهری با تاکید بر شهر همدان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰.
- ۲۰- یآوری، نفیسه (۱۳۸۳) حاشیه نشینی و آثار اجتماعی و فرهنگی آن بر شهرها، مجموعه مقالات همایش شهرسازی ایران جلد اول، ساخت کالبدی شهر، شیراز، دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز.
- 21- Barabadi, M. (2002). On the Margins phenomenon as old urbanization, a monthly Shرداری, February 2002, No 45, published by the municipalities in the contry, pp. 50-48.[in Persian].